

ایران در هفته‌ای گذشت!

(۱۶)

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

عکس‌العمل‌های سردمداران جمهوری اسلامی، در مقابل اعتراضات دانشجویی

بدنبال حکم اعدام آغاچری، اعتراض دانشجویان در سطح کشور، بالا گرفت و مطالبات آن‌ها فراتر از مسائل صنفی قرار گرفت. دانشجویان، خواهان مطالبات سیاسی نظیر لغو اعدام و آزادی زندانیان سیاسی و غیره مطرح کردند.

در چنین شرایطی، رهبران جمهوری اسلامی، واکنش‌های مختلفی از خود نشان دادند. علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، اعتراض دانشجویان را به دشمنان خارجی نسبت داد. انصار حزب‌الله، در تایید سخنان رهبر، بر علیه دانشجویان در خیابان‌ها دست به عربده‌کشی و تظاهرات زدند. جناح «دوم خرداد»، با موضع کمی معتدل‌تر از موضع رهبر، از دانشجویان خواست که دست به کارهای «غیرقانونی» نزنند. آیت‌الله مشگینی، رییس مجلس خبرگان، دانشجویان را متهم کرد که با ساز آمریکا می‌رقصند و بوی دلار آن‌ها را مست کرده است. صد و شصت نماینده «دوم خرداد» در مجلس شورای اسلامی، از دانشجویان خواستند که در چارچوب قانون، علیه حکم آغاچری اعدام اعتراض کنند.

عامری، یکی از فرماندهان نیروهای سرکوبگر بسیج رژیم، در یک کنفرانس مطبوعاتی دانشجویان فعال در اعتراضات اخیر را تهدید کرد و گفت: افرادی که علیه ارزش‌های و ارکان نظام هتاکی و فحاشی می‌کنند، قطعاً امنیت نخواهند داشت و هتاک‌های آن‌ها، جواب خواهد داشت.

محمد کاظم انبارلویی، سردبیر روزنامه رسالت، وابسته به جناح «محافظه‌کار»، در

مصاحبه‌ای با خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت: اگر حادثه‌ای مثل ۱۸ تیر به وجود آید، صدور بیانیه‌های شماره یک و دو فایده ندارد. از الان باید به فکر آن باشند. وی افزود: مردم این تحرکات را زیر نظر دارند و چنانچه ادامه یابد، مانند ۲۳ تیر ۷۸ به خیابان‌ها خواهند آمد و توطئه را در نطفه خفه می‌کنند.

طبق آخرین گزارش‌های رسیده از ایران، نیروهای انتظامی رژیم، تعدادی از دانشجویان فعال معترض در حرکت‌های دانشجویی روزهای اخیر را دستگیر کرده است. به گزارش خبرگزاری ایسنا، روز سه‌شنبه ۲۶ نوامبر ۲۰۰۲، معاون سیاسی امنیتی استاندار تهران، با تایید دستگیری تعدادی از فعالان دانشجویی اعلام کرد که این دستگیری از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب استان تهران صورت گرفته است. ابراهیم رضایی بابایی، معاون سیاسی امنیتی استاندار تهران، گفت: این دستگیری‌ها با تجمعات دانشجویی چند روز اخیر مرتبط است. وی افزود: بنا بر اطلاعات موجود، تعداد دیگری نیز دستگیر خواهند شد.

روزنامه همشهری، روز سه‌شنبه ۵ آذر ۱۳۸۱، به نقل از شاهرودی، رییس قوه قضائیه رژیم نوشت، رییس قوه قضائیه دیروز در جلسه مسئولان قضایی گفت: دشمنان سعی می‌کنند دستاوردهای اصلی امام راحل را که الهام گرفته از مکتب سعادت بخش اسلام است، زیر سؤال برند، لذا دین فردی را تبلیغ می‌کنند و کارایی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی اسلام را مورد هجوم قرار می‌دهند.

بدین ترتیب علی‌رغم تفاوت در موضع دو جناح، طرفین می‌کوشند اعتراضات دانشجویی را یکی با زبان زمخت و دیگری با زبان معتدل، مهار کنند و نگذارند مطالبات آن‌ها از اعتراض به حکم اعدام آغاچری فراتر رود، در حالی که دانشجویان با شعارهای نظیر «رهبر برو گم شو»، «ریاست جمهوری استعفا» و «رییس تشخیص مصلحت نظام استعفا»، نشان دادند که آن‌ها علیه هر دو جناح موضع دارند. چنین موضعی جنبش دانشجویی را یک گام نسبت به گذشته پیش برد. مسلماً این جنبش باید مطالبات صنفی و سیاسی آزادی‌خواهانه خود را گسترش دهد و همچنان بر آزادی کلیه زندانیان سیاسی، لغو شکنجه و اعدام و سنگسار و قصاص و آزادی بیان و قلم و

تشکل پافشاری کند. همچنین فعالان پیشرو و چپ جنبش دانشجویی بکوشند تا این جنبش را با جنبش کارگری مرتبط سازند. تنها از این طریق است که یک جنبش طبقاتی قدرتمند با تحمیل مطالبات فوق بر رژیم، راه را برای سرنگونی کل رژیم جمهوری اسلامی هموار می‌سازد.

از سوی دیگر لازم به یادآوری است که دانشجویان معترض نباید فراموش کنند که هر دو جناح رژیم، در واقعه تیر ماه ۷۸ اعتراضات دانشجویی با هم متحد شده بودند و جنبش دانشجویی را سرکوب کردند. اکنون نیز هر چقدر موضع دانشجویان در مقابل رژیم رادیکال‌تر می‌گردد، هر دو جناح رژیم، به هم نزدیک‌تر می‌شوند تا از حاکمیت خود در مقابل دانشجویان و جنبش‌های توده‌ای دفاع کنند. اختلاف دو جناح رژیم، اختلافی بر سر تقسیم قدرت و ثروت است و نه مطالبات مردم و بهبود زیست و زندگی آنها. بنابراین دانشجویان، هر چقدر از جناح «دوم خرداد» دور می‌شوند؛ خود را به طور مستقل سازمان‌دهی می‌کنند و به جنبش کارگری نزدیک می‌شوند، به همان نسبت نیز عوامل رژیم جرات نمی‌کنند که به راحتی جنبش دانشجویان را سرکوب کنند.

احتمال لغو حکم اعدام هاشم آغاچری

قوه قضائیه رژیم جمهوری اسلامی، در مقابل اعتراض دانشجویان که برای لغو حکم اعدام هاشم آغاچری و دیگر مطالبات خود به میدان آمده‌اند، مجبور به عقب‌نشینی شد و اعلام کرد: «با توجه به دستور مقام رهبری، پرونده هاشم آغاچری تجدید نظر می‌شود». این یک پیروزی برای مردم ایران و شکست دیگری برای جمهوری اسلامی، محسوب می‌شود.

مهم‌تر از همه رسوایی بزرگی برای رهبر جمهوری اسلامی علی خامنه‌ای به دنبال دارد. علی خامنه‌ای برای خاموش کردن صدای اعتراض دانشجویان، مجبور شد که به قوه قضائیه دستور دهد تا در حکم اعدام آغاچری تجدید نظر کند. رهبران دیکتاتور، نخست احکام غیرانسانی و وحشیانه صادر می‌کنند و سپس برای این که عمل خود را توجیه کنند و توهم در افکار عمومی به وجود آورند، عفو و مسائلی از این قبیل را مطرح

می‌کنند. اکنون با وجود این که رهبر جمهوری اسلامی و قوه قضائیه تحت فرمانش عقب نشسته‌اند، اما دانشجویان، به درستی همچنان به اعتراض و اعتصاب خود ادامه می‌دهند و خواهان لغو شکنجه، اعدام، سنگسار و قصاص و آزادی زندانیان سیاسی هستند.

پیگیری قتل‌های زنجیره‌ای توسط کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل

پرستو فروهر، در مراسم بزرگداشت چهارمین سالگرد قتل فجیع والدینش پروانه اسکندری و داریوش فروهر که در تهران برگزار شد، از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، درخواست کرد تا در مورد پرونده قتل‌های موسوم به «قتل‌های زنجیره‌ای» تحقیق کند. سخنان پرستو فروهر که از سوی خبرگزاری ایسنا منتشر شد، گفت، پس از گذشت چهار سال از قتل پدر و مادرش، هر کس که زبان به اعتراض گشود «تاوان» پس داد، روزنامه‌ها تعطیل شدند، نویسندگانشان به زندان افتادند و افشاگری در مورد این جنایت‌ها جرم اعلام شد، اما آمران قتل‌ها و دست‌اندرکاران فکری و سازمانی این جنایت‌ها به محاکمه کشیده نشدند.

پرستو، در مراسم سالگرد قتل والدینش از حضار خواست تا با امضای متن درخواست تحقیق و بررسی پرونده قتل‌های پاییز سال ۱۳۷۷، از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، با وی هم‌صدا شوند.

در این میان لباس شخصی‌ها به شرکت‌کنندگان در مراسم سالگرد فروهرها حمله کردند و آن‌ها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. همچنین پرستو فروهر، را کتک زدند. از سوی دیگر خبرنگاران حکومتی ایرنا نیز توسط لباس شخصی‌ها مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. انجمن صنفی خبرنگاران ایرنا، با صدور بیانیه‌ای، به ضرب و شتم سه تن از خبرنگاران آزاد ایرنا، در مراسم چهارمین سالگرد داریوش فروهر و پروانه اسکندری اعتراض کرد. در بخشی از این بیانیه که در روزنامه آفتاب، سه‌شنبه ۵ آذر ۱۳۸۱ (۲۶ نوامبر ۲۰۰۲)، چاپ شده، چنین آمده است، «خشونت طلبان یک بار دیگر در رخداد خبری مراسم چهارمین سالگرد کشته شدن داریوش فروهر و پروانه اسکندری با

باز کردن دالان خشونت، خبرنگار ایرنا را مجبور کردند از میانه پراشوب و خطرناک، ۳۰ متر را همراه با تحمل ضربه‌های سهم چوب و مشت گذر کند». در این بیانیه از این که خبرنگاران در مقابل دیدگان ماموران حافظ نظم و امنیت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند به شدت انتقاد شده است. این انجمن، با محکوم کردن این اقدام غیرانسانی، از مسئولان سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی خواسته است با پیگیری قضایی و حقوقی این حادثه در جهت استیفای حقوق خبرنگاران تلاش کنند.

لازم به یادآوری است که ۱۸ نفر، از ماموران وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، متهم به پرونده قتل‌های زنجیره‌ای، به طور غیرعلنی محاکمه شده بودند. در این محاکمه نمایشی، سه نفر به اعدام محکوم شدند، سه نفر تبرئه و ۱۲ نفر دیگر نیز به دو سال زندان تا حبس ابد محکوم شدند. سپس شایع گردید که همه این ۱۸ نفر از زندان آزاد شده‌اند. این عمل رژیم، تعجبی ندارد و انتظار غیر از این نیز نباید وجود داشته باشد. چرا که این ۱۸ نفر، به دستور رهبران جمهوری اسلامی، معترضین و مخالفین رژیم را ترور کرده‌اند، یعنی آن‌ها مجری بودند و عاملان اصلی سردمداران رژیم هستند. اگر واقعا قرار باشد مجرمین واقعی دستگیر و محاکمه شوند، مقامات درجه اول رژیم جمهوری اسلامی، باید محاکمه شوند. این مسئله نیز هنگامی عملی است که رژیم جمهوری اسلامی، توسط مردم به زیر کشیده شود و سردمداران رژیم در دادگاهی بی طرف و عادلانه محاکمه گردند.

گفته می‌شود که در مراسم سالگرد فروهرها بیش از پنج هزار نفر شرکت داشتند. در این مراسم پیام آقای ناصر زرافشان، وکیل خانواده‌های قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای که اکنون به «جرم» افشای اطلاعات محرمانه در زندان بسر می‌برد، قرائت گردید.

«شاید خاتمی خوش نیاید اما او سیاستمدار و فعال نیست»

آش آن قدر شور شده است که اکنون دهان خود کسانی که این آش را پخته‌اند در حال سوختن است.

سعید حجاریان، از بنیانگذاران وزارت اطلاعات رژیم جمهوری اسلامی، از تئوریسین‌های

جناح «دوم خرداد» و یکی از مشاوران سیاسی محمد خاتمی رییس جمهور ایران است، می‌گوید: «شاید خاتمی خوشش نیاید اما او سیاستمدار و فعال نیست».

بنا به نوشته روزنامه کیهان، سه شنبه ۵ آذر ۱۳۸۱، محمدرضا خاتمی دبیرکل حزب مشارکت که به همراه سعید حجاریان و محسن میردامادی در یک کنفرانس مطبوعاتی شرکت کرده بود، در پاسخ به پرسشی ادعا کرد: طبق شنیده‌های ما برخورد با عباس عبدی تاوان طراحی خروج از حاکمیت است که باید پرداخت شود. این برای مرعوب‌سازی و پراندن آن‌هاست. البته آن‌ها مایل به خروج اصلاح‌طلبان از حاکمیت نیستند و تنها اصلاح طلب رام می‌خواهند. آن‌ها اگر قدرت داشتند برخورد می‌کردند اما معتقدند که بدون حضور اصلاح‌طلبان، قدرت حکومت کردن را ندارند. می‌خواهند با کارها اصلاح‌طلبان را به دو بخش تند و رادیکال و رام تبدیل کنند.

حجاریان نیز گفت: اولاً من کسی نیستم که سابقه فعالیت‌م را انکار کنم و یا از آن شرمند باشم. ثانیاً اگر نظر کارشناسی مرا می‌پرسید، بهتر است بگویید «اطلاعات طبقه بندی شده»، نه «دسته بندی شده... اطلاعات طبقه بندی شده، قانون خاص خود را دارد و این قانون را من در زمان فعالیت‌م در وزارت اطلاعات نوشتم و می‌دانم در آن قانون چه نوشته‌ام. این اطلاعات، طبقه بندی شده نبود. ثانیاً فرض می‌کنیم این اطلاعات برای مسئولین خوب است، ولی باید دید تکلیف خارجی‌ها چیست؟ مثلاً، سازمان مدیریت، هر ساله آمار درآمدها را اعلام می‌کند که روزنامه شما نیز آن را چاپ می‌کند. حجاریان افزود: می‌توانم از روزنامه کیهان در سال گذشته، اطلاعات آشکاری را استخراج و آن را به صورت بولتن منتشر کنم که برای خارجی‌ها خیلی ارزشمند است. اطلاعاتی در مورد اعدام‌ها، زندانیان، چک‌های برگشتی و دختران فراری».

محمدرضا خاتمی، در رابطه با آینده جمهوری اسلامی گفت: ماه‌های آینده برای کشور ما بلندمدت است. اگر آمریکا به عراق حمله کند، معلوم نیست چه اتفاقاتی می‌افتد و چه می‌شود.

حجاریان، در این کنفرانس مطبوعاتی گفت: ... من از این می‌ترسم که حتا مسئله

جمهوریت و اسلامیت به کناری زده و ایرانیت ایرانی‌ها مورد خدشه قرار گرفته و کشور به سمت تجزیه برود که در آن صورت دشمن طمع می‌کند.

این بحث‌ها اولاً به این شکلی که به بیرون درز می‌کنند باید در درون خود جناح‌های رژیم آشوبی بزرگی مبنی از نگرانی از آینده حاکمیت‌شان حکم فرما باشد. دوماً، هنگامی که شخص کلیدی مانند حجاریان، در مورد خاتمی، چنین اظهار نظر می‌کند نشان‌دهنده این واقعیت است که کل رژیم جمهوری اسلامی، شدیداً در بحران و بن‌بست قرار گرفته است.

سازمان دهی ۳۰۰ هزار برای امر به معروف

این روزها که مراکز آموزشی به ویژه دانشگاه‌ها متلاطم است و حرکت‌های اعتراضی دانشجویان در سطح کشور علیه رژیم، در حال گسترش است، مقامات رژیم، خبر از مانور نیروهای بسیج را می‌دهند.

روزنامه کیهان، در شماره سه‌شنبه ۵ آذر ۱۳۸۱ خود نوشت، هم‌زمان با چهارمین روز از هفته بسیج مانور تذکر لسانی ضابطین و ناصحین نیروی مقاومت بسیج روز پنج‌شنبه در ۱۵۰ شهر کشور برگزار می‌شود.

سرتیب پاسدار غلامحسین کلولی دزفولی، معاون امر به معروف و نهی از منکر نیروی مقاومت بسیج روز گذشته در تشریح برنامه‌های قرارگاه مرکزی سیدالشهدا در هفته بسیج اظهار داشت: بیش از ۷۰ هزار نفر از بسیجیان در این مانور شرکت خواهند داشت. وی افزود: در حال سازمان‌دهی ۳۰۰ هزار ناصح بسیجی در آینده نزدیک هستیم و در نظر داریم، در هر پایگاه، یک گروه ۲۲ نفره ناصحین را راه‌اندازی نماییم تا در محدوده فعالیت خود به تذکر لسانی اقدام نمایند.

معاون امر به معروف و نهی از منکر نیروی مقاومت بسیج در پاسخ به سؤال کیهان در خصوص چگونگی تامین امنیت کشور توسط بسیج در صورت حمله آمریکا، یکی از کارکردهای بسیج را تامین امنیت داخلی از طریق برخورد با جریان‌ات براندازی و گروهک‌های معاند و اشرار عنوان کرد و گفت: در صورت حمله آمریکا به عراق و بروز

پیامدها و تبعات آن برای سنجش آمادگی دفاعی ما توسط دشمن، نیروی بسیج با حضور گسترده در صحنه می‌تواند، توطئه‌های پیش‌آمده را خنثی کند.

سرتیپ کلویی، با اشاره به برگزاری همایش بسیج و امنیت ملی، هدف از برگزاری این همایش را تبیین نقش بسیج در ایجاد امنیت در کشور عنوان کرد و گفت: در این همایش از دیدگاه کارشناسان امنیتی نقش بسیج در ایجاد امنیت، مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت و از بسیجیانی که نقش موثری در برقراری امنیت در کشور داشته‌اند، تقدیر به عمل خواهد آمد.

تلاش مقامات سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی، و به خیابان‌ها ریختن نیروی بسیج، ترس و نگرانی رژیم، از اوج‌گیری جنبش کارگری و دانشجویی در آستانه ۱۶ آذر، روز دانشجو است.